



از گل محمدی تا بهار نارنج



می آید خرید و فروش غوره داریم و بادستگاه آب غوره هم می گیریم. برج ۶ وقت شیریه پزی است. برج ۷ نعنای هادی می آید که از مزارع برای عرق گیری تهیه می کنیم. برج ۸ که هوا کمی سرد می شود ترشیجات درست می کنیم. رب می پزیم تا اینکه وقت زعفران ها برسد. از آن به بعد به کار زعفران و جمع کردن گل های رویم. از ساعت ۵ صبح تا عصر سر زمین ها هستیم و گل جمع می کنیم. بعد از آن شب تا جایی که خودمان بتوانیم گل ها را پاک می کنیم. اگر نه، الباقی را به همسایه ها می دهیم پاک کنند. هم زمان جمع آوری گل ها و خشک کردن آن ها را هم داریم. یک وقت هایی پیش می آید که تا ۴ صبح نخوابیم و مشغول کار باشیم و فقط یکی دو ساعتی بتوانیم استراحت کنیم. یکی دو ماهی بعد از کار زعفران ها بیکاریم ولی از بس قبل از آن فشار کار زیاد بوده که بعضی وقت ها از کمر درد در خانه می افتیم. خود من پار سال دیسک کمرم زدیرون. جدای از خرجی که داشت مجبور شدم چند ماه استراحت مطلق باشم. ناگفته نماند که برج ۱۲ فصل بیدمشک هاست و اول برج یک فصل بهار نارنج است که ماعرق گیری آن را انجام می دهیم و همین جا همه محصولات را می فروشیم.

با وجود این همه کار افسانه باز هم ناشکر نیست می گوید: چون کار ما ۲۴ ساعته است و در گلاب گیری همیشه باز است برای مشتری هادر این ایام باید یک نفر همیشه خانه باشد که جواب مشتری را بدهد و همه با هم بیرون نمی رویم. کم خوابی زیاد دارم. فصل زعفران ها از زانودرد یک وقت هایی مجبوریم پیمان را دراز کنیم و کار کنیم. از درد نیش زنبور های عسل هم که دیگر برای تنان نگوییم که ایام گل محمدی و گل زعفران روزی ۵-۶ بار هر کدام از مارانش می زنند. الان که عادت کرده ایم و نیش را می کشیم و کار را ادامه می دهیم ولی درد زیاد دارد. از بس کار کرده ایم دیگر پوست دستانم زبر شده. البته که ناشکر نیستیم و خدا را شکر می کنیم ولی این طور هم نیست که هر کدام بگویم دستمزدی جدا داریم و سوا کنیم. هر چه سرمایه داریم در همین کار گذاشته ایم.

افسانه خانم عروس خانواده شکوری که هم فامیل با شوهرش است و ازدواج فامیلی داشته اند الان حدود ۱۸ سال می شود که عروس این خانواده است. او یک پسر ۱۷ ساله به نام هادی، یک دختر ۱۱ ساله به نام فاطمه و زهرا و یک پسر ۷ ساله به اسم محمدرضا دارد. خودش هم متولد سال ۶۹ است و الان ۳۲ ساله سن دارد. از آن مادر های جوان است. او که متولد فرخدا است درباره گل و گلاب و محصولات این روستا می گوید: گل از قدیم در این روستا بود ولی چون جشنواره ای برگزار نمی شد و گردشگری نمی آمد برای مردم فایده ای نداشت. بیشتر وقت ها گل ها را برای بقیه جمع می کردیم و یا دور ریز داشت. اما الان ۱۰ سال می شود که با کمک شورای روستا گل را شناختیم و خودمان شروع به گلاب گیری کردیم و اینجا معروف به قمصر خراسان شد. آن ها بعد از ورود گردشگر به منطقه و ایجاد بازار کم کم دم و دستگاه عرق گیری و گلاب گیری راه می اندازند. از سال ۹۸ کار گلاب گیری را شروع می کنند و از یک سال بعد دم و دستگاه کار را می خرند و الان حدود ۳ سال است که حرفه ای و با مدرک و مجوز کارشان را ادامه می دهند. در کنار آن نیز محصولات دیگری را نیز تولید می کنند. او درباره دیگر محصولات می گوید: به جز گلاب و انواع عرقیاتی از قبیل بیدمشک، نعنای، هل، دارچین و دیگر عرقیات ما انواع مرباجات مثل مربای انجیر و گل محمدی درست می کنیم. شیریه خرما و شیریه انگور هم می گیریم و انواع ترشیجات را هم درست می کنیم. شیوه درست کردن خیلی از این ها اینترنتی یاد گرفته ام ولی خلایق های شوهرم هم زیاد است. البته بار بیشتر کار هم روی دوش اوست. نباشد خیلی از کارها روی زمین می ماند.

آن ها کل ماه های سال را درگیر هستند. از الان که اردیبهشت است و ماه گل محمدی شروع می شود تا آخرین روزهای سال که عرق بیدمشک می گیرند. درباره روزهای کاری افسانه خانم می گوید: از برج ۲ گل محمدی و گلاب شروع می شود که کنارش شربت گل محمدی، مربا و گل و غنچه خشک را هم داریم. بعد از آن برج ۴ غوره



کار مجازی هم می کنیم



کبری لطفی عروس دیگر این خانواده است. او حدود ۴۰ سال سن دارد و ۱۸ سال است که ازدواج کرده است. مراسم ازدواج او با جاری اش افسانه که با هم در یک خانه زندگی می کنند در یک شب بوده است. او یک دختر ۱۴ ساله به نام فاطمه دارد و همسرش اصغر در تهران مشغول به کار است. می گوید: ما خانوادگی از اول در کار کشاورزی بودیم و پدر و برادر هایم هم در این کار هستند. زندگی ما با همین کشاورزی و تولیدات می گذرد. از تاک چینی بگیرد تا گله داری و دامداری کرده ام و همه را بلدم. بعد از ازدواج هم که با مادر شوهر و جاری ام هم خانه شدیم بعد از مدتی همین کارها را ادامه دادیم. خاطریم هست که قبل از معروف شدن گل اینجا کیلویی ۶ هزار تومان گل بود ولی الان تا کیلویی ۴۰ هزار تومان قیمت دارد. کلاما یک خانواده هستیم که هوای هم را داریم. بچه های جاری ام مثل بچه های خودم هستند. اگر کاری داشته باشند انجام می دهیم. مادر شوهرم خیلی دست به کمک است. تازه قبلا یک پیچ اینستاگرامی داشتیم که روش های تهیه انواع عرقیات، ترشیجات و این جور چیزها را آموزش می داد. ما فیلم می گرفتیم و منتشر می کردیم. فصل زعفران ها هم که کلا آشپزی را تعطیل می کنیم. چون نمی رسیم. یک غذای حاضری و دم دستی درست می کنیم ولی بعد که کارها تمام شد جبران می کنیم. اینجا کار ما زیاد است. هر چند کارگر خودمان هستیم و رئیس خودمان. برای همین بیشتر برای کار انگیزه داریم. کبری از دنیای زنانه اش می گوید و اینکه با این همه کار فرصت نمی کنند مثل سایر خانم ها برای خودشان وقت بگذارند و کار برایشان همه چیز است. او در پایان اضافه می کند مشتری هم خوب داریم از مشهد که زیاد و از تهران، اصفهان و شیراز هم برای خرید می آیند. تازه بعضی از مشتری ها هم اهل عراق و کربلا هستند و گلاب ما را تا شهرهای خودشان برده اند.

